

آئین بوگومبل : بازمانده کیش مانی در بالکان (۴)

بقلم آقای دیان بوکدانویچ

دانشجوی بوگوسلاوی از دانشکده ادبیات تهران

۱ - جغرافیای مذهبی بوگومیلی و تاریخچه مختصر آن

اجداد مردم بوگوسلاوی^۱ در اواخر قرن ششم میلادی بطرف بالکان^۲ آمدند و در قسمت عمده^۳ این شبه جزیره مسکن گزیدند. این مردم در آن زمان هنوز زندگی قبیله‌ای داشتند و در حقیقت امروز ملل اسلاو جنوبی^۴ از بازماندگان همان قبیله‌ها هستند و وارث همان زندگی قبیله‌ای می‌باشند.

این طوایف پس از استقرار در بالکان بزودی مسیحی شدند منتهی بطور کلی ساکنان جنوبی پیرو کلیسای ارتدکس گشتند و ساکنان شمال و غرب از کلیسای کاتولیک پیروی کردند. دو کلیسای مزبور در ناحیه^۵ بوسنی^۶ و هرزگووین^۷ که تقریباً در مرکز بوگوسلاوی واقع شده‌اند برای بدست آوردن منطقه^۸ نفوذ خود سخت مبارزه می‌کردند.

۱ - کشور بوگوسلاوی در دورانی که مورد بحث ما است بصورت مستقل وجود نداشته و ایالات مختلفی که بوگوسلاوی امروزی را تشکیل می‌دهند تا سال ۱۹۱۸ بصورت پراکنده تحت تسلط دولت عثمانی و یا دول بیگانه دیگر بوده‌اند که در اینجا برای اختصار کلام مجموع آنها را «بوگوسلاوی» می‌نامیم.

۲ - محققین در باره مسکن اصلی این دسته وحدت نظر ندارند. برای اطلاع بیشتر در این باره بکتاب L. Niederle, Manuel de l'antiquité slave, Paris 1923-1926 مراجعه شود.

۳ - یعنی صرب‌ها Srbi و کرواتیها یا خرواتها Hrvati و اسلاوون‌ها Slevenci و مقدونیها Makedonei و منته یگرومئها Crnogorci در بوگوسلاوی و بلغارها در بلغارستان.

بخصوص در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی مقامات کاتولیکک باتمام وسائل کوشیدند تا بوسنی و هرزگووین را وارد منطقه نفوذ خود کنند ولی چون پس از چند قرن تبلیغ هیچیک از این دو کلیسا چندان مورد پسند مردم این نواحی واقع نشدند از اواخر قرن دوازدهم ببعده آئین بوگومیل^۱ در آنجا رسوخ کرد و از آنجا بناحیه دالماسی رسید و دیری نپائید که مذهب تازه هواداران زیادی پیدا کرد و بزودی مذهب رسمی ناحیه بوسنی شد.

چون در این مقاله بحث ما در باره بوگومیلها و بخصوص بوگومیلهای بوسنی و هرزگووین^۲ است لذا بحث اجمالی از اوضاع و احوال ایالاتی که بوگومیلهای در آنجا دین

۱ - کلمه Bogomilstvo در زبان صربو کروات و le Bogomilisme در زبان فرانسه هر دو معنی آئین بوگومیل می دهند. گویا کلمه بوگومیل نام مؤسس آن باشد. ر. ک :

A. Solovieff, Les Bogomiles, «Synthèses», No 147-148; p. 83

St. Runciman, Le Manichéisme médiéval, Paris, 1948; p. 168

باید دانست که کلمه بوگومیل به یک نفر پیرو این آئین نیز اطلاق می شود و همچنین صفت نسبی آن هم می باشد. محقق فرانسوی و مانی شناس مشهور آقای Henri Charles Puech در مقاله «توسعه مانویت و بقایای آن» کلمه بوگومیل را بمعنای «دوستدار خدا» یا «سرد مستحق ترحم» می داند (رجوع شود به کتاب «تمدن ایرانی» تألیف چندتن از خاورشناسان ترجمه دکتر عیسی بهنام - تهران ۱۳۳۷ ص ۲۲۶) در این مقاله از این پس منظور از پوش-بهنام همین منبع می باشد.

۲ - Dalmacija

۳ - پیروان این آئین بچند اسم مختلف شناخته شده اند :

الف - پاتارینها Patarines در ناحیه بوسنی (رجوع شود به کتاب «مانی و دین او» تألیف آقایان سیدحسن تقی زاده و احمد افشار شیرازی - تهران ۱۳۳۵ ص ۳۶) ضمنا از این پس «مانی و دین او» اشاره بهمین منبع است. همچنین لازم است یادآوری شود که کلمه پاتارینها بشکل و تلفظهای دیگر هم دیده شده و برای اطلاع بیشتر به کتاب «مانویت قرون وسطی» تألیف استون رونسیمان ص ۱۶۹ St. Runciman, Le Manichésisme médiéval, Payot, Paris, 1948; یا متن اصلی آن که بزبان انگلیسی زیر عنوان St. Runciman, Medieval Manichee, Cambridge 1947 می باشد مراجعه شود. ضمنا از این پس ←

خود را ترویج می‌کردند لازم بنظر می‌رسد. در حقیقت بوگومیلها بیش از یوگسلاوی آئین خود را در بلغارستان و در نواحی جنوبی بالکان که متعلق با امپراطوری بیزانس بوده رواج داده بودند.

همانطور که می‌دانیم ممالک بلغارستان و صربستان و بعضی از ایالات دیگر بالکان مدتی جزو امپراطوری بیزانس بشمار می‌رفتند ولی بلغارستان قبل از صربستان خود را از تسلط بیزانس آزاد ساخت. این امر موجب بروز جنگهای طولانی بین بلغارستان و بیزانس شد و در عین حال بصرستان اجازه داد که در قرن ۱۲ میلادی از کشمکشهای بلغارستان و بیزانس استفاده کند و مستقل گردد.

دولت صربستان آن هنگام شامل منته ننگرو (قره داغ) و دالماسی جنوبی و هرزگووین و قسمت مهمی از بوسنی و صربستان کنونی بود ولی بعد از تشکیل دولت مستقل قلمرو آن تدریجا توسعه قابل ملاحظه‌ای یافت و نواحی جنوبی متعلق به امپراطوری بیزانس را نیز بتصرف خود درآورد.

← «رونسیمان» اشاره به ترجمه فرانسوی آن کتاب است.

ب - بابون ها Babuni در صربستان (رجوع شود به «رونسیمان» ص ۹۱ و ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

ج - کادوگرها Kadugeri و این نامی است که مؤلفان بیزانس به بوگومیلها می‌دادند (رجوع شود به «رونسیمان» ص ۱۶۸ ده آنها را Koudougères می‌نامد).

ضمنا بوگومیل شناس معروف الکساندر سلوویف Alexandre Solovieff که آثار متعددی در این باره نوشته است در مجله «Synthèses» شماره ۱۴۸-۱۴۷ چاپ بروکسل بسال ۱۹۵۸ در ص ۹۵ نیز نام کادوگرها را مخصوص بوگومیلها می‌داند. از این پس «سلوویف» اشاره بهمین منبع است.

د - فوندائیتها Phoundaites نیز نامی است که مؤلفین قرن دوازدهم بیزانس به بوگومیلها می‌دادند (رجوع شود به «رونسیمان» ص ۱۶۸ و ۶۹).

ولی در هر حال چون در سالهای اخیر اکثر محققین بنام «بوگومیل» اکتفا کرده‌اند ما نیز پیروان این آئین را بطور اعم بوگومیل می‌نامیم.

در قرن ۱۲ کشور صربستان با بلغارستان و بیزانس مرز مشترك طولانی داشت و بوگومیلها که در بلغارستان و نواحی جنوبی بالکان (که هنوز جزو امپراطوری بیزانس بود) با مخالفت شدید بزرگان دین مسیحی روبرو بودند با امید آزادی مذهب بصرستان پناه بردند ولی در آنجا نیز آزادی دلخواه خود را پیدا نکردند و بعد از آنکه مسیحیان جمعی از آنها را کشتند و برخی را سوزاندند باز ماندگانشان بناحیه بوسنی و هرزگووین و دالماسی پناه بردند.

چون در آنموقع دولت ملوک الطوائف بوسنی در فکر بدست آوردن استقلال سیاسی خود بود اعیان و اشراف بوسنی نسبت به مبالغین آئین بوگومیل چندان سخت گیری نکردند و نیز عملاً بی میل نبودند که از آئین نوینی پیروی نمایند زیرا می دانستند که در آن زمان اولین قدم در راه استقلال سیاسی بدست آوردن استقلال دینی بوده است. عدم رضایت مردم و اعیان و اشراف بوسنی از روحانیون کاتولیک و ارتدوکس برواج آئین بوگومیل کمک کرد. و در نیمه دوم قرن ۱۲ میلادی که این نارضایتی اوج یافته بود آئین بوگومیل در بوسنی پیشرفت شایانی حاصل کرد. مثلاً شاهزاده‌ای با ده هزار نفر از بستگان و لشکریان خود در سالهای آخر قرن ۱۲ میلادی با آئین بوگومیل گروید و این امر مقدمه خصوصیت طویلی بین دولت بوسنی و کلیسای کاتولیک گردید و دولت بوسنی که تازه از سلطه دولت ارتدوکس صربستان آزاد شده بود با فشارهای سخت مجارهای متعصب که تازه کاتولیک شده بودند روبرو شد.

معهداً از اواخر قرن ۱۲ میلادی بعد آئین بوگومیل که در واقع شعبه‌ای از کلیسای ثنوی مسیحی l'Eglise dualiste بود در بوسنی و هرزگووین و دالماسی توسعه روزافزونی یافت و از راه دالماسی به ایتالیا رفت. در ضمن، در نواحی دیگر اروپا شعبه‌هایی از مذهب مسیح که طرفدار عقیده ثنویت بودند بطور قابل ملاحظه‌ای رواج پیدا کردند. بعقیده «پوش» پیدایش شعبه مذهبی کاتار در اروپای غربی نتیجه مستقیم ظهور آئین بوگومیل

۱ - کاتارها Les Cathares پیروان یک شعبه ثنوی دیگر از مذاهب متفرع از آئین مسیح سی باشند که شبیه آئین بوگومیل است. اینها در جنوب فرانسه سکنی داشته‌اند. «رونسیمان»

می‌باشد^۱ و « بهر حال شکی نیست که آئین بوگومیل به تشکیل فرقه کاتار بسیار کمک کرده^۲ . . . « و » فرقه کاتار احتمالاً از آدریاتیک (یعنی از سواحل دریای آدریاتیک در مقابل ایتالیا که همان دالماسی است) به ایتالیا و از آنجا به لانگدوک . . . آمده است » .

طبق اسنادیکه در دست است^۳ در حدود سالهای ۱۲۳۰ میلادی بوسنی مرکز شعبه‌هایی از مذهب مسیحی بود که نزد عامه مسیحی‌ها مرتد و اهل ارتداد شناخته می‌شدند بعبارت دیگر بوسنی در آن زمان مرکز مانویت نو^۴ در اروپای جنوبی بشمار می‌آمد و از همین تاریخ پاپ‌های رم دومینکن‌های مجار را با بوگومیل‌های بوسنی برانگیخته‌اند .

از این پس فشار مقامات کاتولیک بتدریج ازدیاد یافته است و گرچه اغلب بوگومیل‌های بوسنی ایستادگی می‌کردند معیناً در اثر شکنجه‌های زیاد بعضی از آنها از مذهب خود برگشتند و به آئین کاتولیک می‌گرویدند .

کار دینال تورکوه مادا^۵ باستناد اعتراف‌هاییکه بوگومیل‌ها در حال شکنجه کرده‌اند فهرست گناهان آنها را در آخرین سالهای دولت بوسنی (اندکی پیش از آنکه ترکان بر این سرزمین دست یابند) تنظیم کرده است .

خلاصه در قرن پانزدهم میلادی فشار کاتولیک‌ها به پیروان آئین بوگومیل و ظلم و شکنجه و کشتارهای آنها برای بوگومیل‌های بوسنی غیر قابل تحمل شده بود و این امر مصادف با پیداشدن ترکهای عثمانی در مرزهای بوسنی گردید . ترکهای عثمانی در اواخر قرن ۱۴ میلادی با فتح مقدونیه و صربستان همسایه بوگومیل‌های بوسنی شدند و دولت

۲ - پوش - بهنام ص ۲۲۸

۴ - سلوویف ص ۸۶

۱ - پوش - بهنام ص ۲۲۷

۳ - پوش - بهنام ص ۲۲۹

۵ - Néo-manichéisme

۶ - Cardinal Torquemada عمومی Thomas be Torquemada که در

قرن ۱۵ میلادی در اسپانیا در اثر تشکیل محکمه مذهبی و سختگیری زیاد باشخاص مظنون

و متهم مشهور شده بود .

عثمانی آن روزگار با اجرای سیاست عاقلانه خود توانست بوگومیلها را بسوی خود جلب کند بطوریکه استپان توماشویچ^۱ فرمانروای بوسنی جرأت مقابله با عثمانیان را نداشت زیرا می دانست که چون بیشتر سپاهیان او بوگومیل هستند به ترکان بیشتر علاقه مند خواهند بود تا با او و یا بکلیسای کاتولیک رم و بالاخره چون مردم راضی به جنگیدن بر ضد ترکها نبودند حکومت بوسنی در سال ۱۴۶۳ بدست عثمانیان شکست خورد و هرزگووین همجوار بوسنی نیز در سال ۱۴۸۲ تحت تسلط ترکهای عثمانی درآمد.

بوگومیلها چنانکه بعداً به تفصیل خواهیم دید منتظر ظهور فارقلیط بودند و هنگامیکه محمد فاتح سلطان عثمانی بوسنی را فتح کرد و امتیازاتی را که تا آن زمان مقامات کلیسای کاتولیک در بوسنی بدست آورده بودند لغو کرد این امر تأثیر زیادی در مسلمان شدن بوگومیلها نمود و بوگومیلها محمد فاتح را بعنوان نجات دهنده خود از تسلط واتیکان و مجارستان شناختند و گرچه این امر تنها علت مسلمان شدن بوگومیلهای ناحیه بوسنی نبود معیناً درین امر تأثیر زیادی داشت و بوگومیلها از محمد فاتح بگرمی استقبال کردند.

آئین بوگومیل در بلغارستان در قرن ۱۰ میلادی پدید آمده است. بنظر می آید که اصل آن از طریق فرقه مسیحی بیالقه^۲ و در واقع با واسطه آنها از آئین مانئی سرچشمه گرفته باشد (۵) چنانکه می دانیم مانئی در اواسط قرن سوم میلادی در ایران ظهور کرده بود و در تعلیمات خود پاره‌ای اصول دینی بودائی و زردشتی و مسیحی (از طریق گنوستیک‌ها) را بهم آمیخته بود.

آئین مانئی بزودی در بسیاری از کشورهای جهان گسترش یافت بطوریکه در سراسر روم شرقی و اروپا مقامات مذهبی و دولتی از مانویت هراسان بودند امپراتوران

۱ - Stjepan Tomasevic

۲ - مسعودی آنها را البیالقه می خواند و آقای سیدحسین تقی زاده آنها را پاولی سین Paulicians

نامند. «مانئی و دین او» ص ۳۶.

و آباء کلیسای مسیحی هرگاه در مالک خود اثری از مانویت یا مشتقات آن می‌دیدند می‌کوشیدند تا هر چه زودتر از میان ببرند. بهمین ترتیب موقعی که در ارمنستان در قرن هفتم و هشتم میلادی مذهب تازه‌ای بنام بیالقه شبیه بائین مانی پدید آمد امپراتوران روم شرقی که در آن هنگام بر ارمنستان مسلط بودند شدیداً با آن مخالفت کردند.

اگرچه بیالقه خود هرگز این معنی را که بین عقاید آنها و تعلیم مانی مناسبتی باشد قبول نکرده‌اند لیکن بعضی از موارد شباهت بین عقاید آنها و مانویان هست که قابل ملاحظه بنظر می‌رسد. در واقع بیالقه پیروان یکی از طریقه‌های ملهم از عقاید مانوی است که در عالم مسیحی انتشار یافته‌است^۱ و تعلیمات آن مانند دیانت مانی مبتنی بر اصول ثنویت بوده‌است.

بیالقه عقیده داشتند که عالم مادی مخلوق خدای بدی است همان خدائی که عهد عتیق کتاب مقدس را هم الهام کرده‌است. بنابراین آنها عهد عتیق کتاب مقدس و سازمان کلیسا و دولت را رد می‌کردند معیناً بیالقه از بعضی جهات دیگر به مسیحیت رسمی بیش از مانویان نزدیکند.

یکی از مختصات دیگر آئین بیالقه جنبه نظامی آنست. این فرقه روستائیان و عوام را بر ضد مالکین تحریک می‌کرد و بدین سبب امپراتوران بیزانس (روم شرقی) مکرر بدفع آنها همت گماشتند. و بعد از آنکه جمعی از آنان را کشته و برخی را سوزاندند بمنظور ریشه کن کردن این آئین بازماندگان را بناحیه تراکیه^۲ و مقدونیه غربی تبعید کردند. اولین تبعید دستجمعی آنان در اواسط قرن هشتم میلادی و سومین و آخرین آن در اواسط قرن دهم رخ داده‌است.

در قرن دهم میلادی در اثر تبلیغات همین بیالقه تبعید شده و در تحت نفوذ مذهبی

۱ - «مانی و دین او» ص ۳۵.

۲ - تراکیه Thrace در زبان فرانسه ناحیه مرزی امپراطوری روم شرقی در برابر اسلاوها

فرقه‌های گنوسی از قبیل مسالی^۱ آئین بوگومیل در بلغارستان ظهور کرد و بزودی در بالکان و سایر نقاط انتشار یافت .

با اکتشافات بزرگی که در تورفان (واقع در ترکستان چین) و فیوم مصر و غیره بعمل آمده است منابع زیادی در باره اصول مذهب مانی در دست است در صورتیکه برای استخراج و استنباط مبانی و قوانین آئین بوگومیل مدارک زیادی در دست نیست . منابع و مطالبی در باره تاریخ سیاسی آئین بوگومیل و بخصوص در باره سرزمینهایی که فرقه مزبور عقاید خود را در آنجا اشاعه می داده است در دست داریم اما اغلب این اطلاعات از زبان دشمنان بوگومیلهای ما رسیده است و بدون تردید دشمنان در این امر نمی توانسته‌اند منصف و بی غرض باشند .

در هر حال یکی از مهمترین منابع درین باب فهرست گناهان بوگومیلهاست که بدست کاردینال تورکوه مادا^۲ تنظیم شده است .

کتاب کسماس کشیش^۳ و کتاب زیگابن^۴ دو منبع دیگر هستند که بطور غیرمستقیم اطلاعاتی در باره بوگومیلهای بوسنی بمانی دهند . معذک از مطالعه نقوش موجود بر روی مقابر بوگومیل ها که غالباً در بوسنی و هرزگووین واقع است نیز می توان اطلاعات پرارزشی بدست آورد و طبق آماریکه در سال ۱۸۹۹ تهیه شده تعداد پنجاه و نه هزار و پانصد نمونه از این گونه مقابر وجود داشته است .

همچنین از مطالعه افسانه‌ها و داستانهای ملی بعضی از نقاط یوگسلاوی و بالکان

۱ - مسالی‌ها Messalieu فرقه گنوسی مسیحی («رونسیمان» ص ۱۶۶، ۲۶)

۲ - رجوع شود به پاورقی شماره ۴ صفحه ۵ این مقاله .

۳ - H. Ch. Puech et A. Vaillant, Le traité contre les Bogomiles de Cosmas le prêtre, Paris 1945.

۴ - Zigabène Futhyme Panoplia dogmatica, in M. P. G., vol. CXXX (la - partie sur les Bogomiles). در قسمتی که به بوگومیلهای اختصاص داده شد .

۵ - «رونسیمان» ص ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ .

می‌توان اطلاعاتی دربارهٔ نفوذ آئین بوگومیل در میان مردم آن نواحی بدست آورد.

۲. مقایسهٔ بعضی از اصول کیش مانی با آئین بوگومیل

مانویان و بوگومیلها به وجود دو اصل معتقد بودند: خوبی و بدی.

مانویان اصل خوبی را نور و اصل بدی را ظلمت می‌دانستند.

بوگومیلها اصل خوبی را معنوی و غیر جسمانی و اصل بدی را جسمانی و قابل رؤیت

می‌پنداشتند.

مانویان و بوگومیلها هر دو بوجود دو خدا اعتقاد داشتند که نزد بوگومیلها یکی

خوبی مطلق و دیگری بدی مطلق نامیده می‌شد. بعقیدهٔ مانویان عالم ماده یعنی جهان و

انسان آفریدهٔ اصل بدی یعنی شیطان است که ذرات نور را در زندان ماده محبوس می‌کند.

بوگومیلها عقیده داشتند که جهان و انسان و حتی بعضی از ملائکه مخلوق همین اصل

بدی می‌باشند.

پس نتیجهٔ مشترك عقیدهٔ بوگومیلها و مانویان در این باب اجتناب از تماس با ماده

بود زیرا انسان در تماس با ماده خود را بدام شیطان می‌کشانید.

از این جهت یک مؤمن واقعی مانوی و همچنین یک مؤمن بوگومیل می‌بایست از

امور جسمانی و جسمی چشم‌پوشد یعنی تناسل و تولید نکند و گوشت نخورد و شراب ننوشد.

۱- تور کره مادا اظهار می‌دارد: «کشتن حیوانات و مرغان و حتی شکستن یک تخم مرغ عم

در نزد بوگومیلها گناه کبیره است» و «آنها عدالتی را که با ریختن خون بدست آمد محکوم

می‌کردند» (سلوویف ص ۹۱) و در حقیقت همین امر بود که دولت‌ها را بر ضد مانویان و

بوگومیلها برمی‌انگیخت. و اگر اکنون از پیروان این دو آئین کسی باقی نمانده علت اینست

که اولاً فرمانروایان آن دوران از عقیدهٔ آنها بیم داشتند و ثانیاً بوگومیلها که بکار بردن

خشونت و زور را ناروا می‌شمردند و کسانی را که بآن وسیله متشبث می‌شد محکوم می‌نمودند

آنان حتی برای دفاع از خود نیز اسلحه بدست نمی‌گرفتند. مانویان در این مورد عقیده داشتند

که اعمال خشونت نسبت به ماده بمنزلهٔ تعدی نسبت به اجزای نور است که در درون ماده

محبوس است.

بوگومیلها حتی از خوردن پنیر و محصولات دیگری که از شیر تهیه می‌شود خودداری می‌کردند .

ضمناً چون از همهٔ مؤمنین افراط در پرهیزکاری متوقع نبود مؤمنین هر دو آئین از لحاظ انجام تکالیف با دو دسته تقسیم شده بودند یکی از آن دو گروه تکالیف مربوط به سماعین یعنی عامهٔ مؤمنین را انجام می‌داد و دیگری تکالیف دشوار صدیقین یعنی برگزیدگان را . مسلم است که افراط در پرهیزکاری مخصوص دستهٔ صدیقین بود زیرا گروه سماعین حق داشتند در حدود احتیاجات روزانه باماده تماس بگیرند ولی بعد از آن می‌بایست طی مراسم تشریف تازه‌ای تطهیر بشوند و گرنه به نجات نائل نمی‌شدند .

در دین ارواح صدیقین بلافاصله بعد از مرگ به عالم نورانی می‌رسیدند و بسعادت ابدی نائل می‌شدند در صورتیکه سماعین بعد از طی یک سلسله مراحل متوالی تناسخ

← مانویان معتقد بودند که از خدای بزرگ یعنی نور، موجودی جدا شده که خدای ظلمت او را مغلوب خود ساخته و ذرات نورانش را در تمام اشیاء و انسانها محبوس کرده و هریک از صدیقین در ضمن اصلاح معنوی خود این ذرات نوری را که از عالم نورانی یعنی خدا جدا شده بودند نجات خواهد داد .

بعقیدهٔ مانویان جهان بمنزلهٔ صلیب نورانی است که در روی آن « نور » یا « روح » زنده یا « مسیح کیهانی » در معرض یک سلسله مصائب دردناک و طولانی قرار دارد . پس هر نوع تعدی به جانداران و حتی جمادات یک نوع امر خلاف نسبت به نور و صلیب نورانی که « مسیح کیهانی » در روی آن عذاب می‌کشد تلقی می‌شود . زیرا در این جهان مادی ذرات نور با ماده در آمیخته است .

جای تعجب است که بیالقه ظاهراً در واسطه راه بین مانویان و بوگومیلها بودند برعکس هر دو دسته صاحب سازمان نظامی بودند و مسلم است که یکی از علل آنکه پیروان این طریقه مدت بیشتری وجود داشته‌اند همین امر بوده است .

۱- این مراسم در واقع غسل تعمید نبود زیرا هر دو آئین استعمال آب را در مراسم تشریف رد می‌کردند و فقط به قرار دادن دست بر شانهٔ طرف (در کیش سانی) و روی سر طرف (در آئین بوگومیل) اکتفا می‌کردند .

به مرحله‌ای از زندگی می‌رسیدند که برای آنها آخرین سر منزل زندگی در طریق جستجوی نور بشمار می‌آمد^۱ در این آخرین مرحله زندگی سماع (= نیوشاک) که مراحل متوسط را طی کرده بود بعد از انجام دادن مراسم تشریف (که در ضمن آن روحانی بزرگ دست را بر شانه وی می‌نهاد) در جرگه طبقه صدیقین وارد می‌شد و بدین شکل بعد از مرگ بلافاصله به سعادت ابدی نائل می‌آمد.

گویا بوگومیلها به تناسخ عقیده نداشتند و از اینرو برای آنکه به تهذیب معنوی نائل آیند وقت بسیار کوتاهتری داشتند: مدت یکک زندگی - و وسیله این اصلاح تطهیر و توبه و مراسم تشریف بود.

بقول زیگابن صدیقین بوگومیلها ادعا می‌کردند که همه آنها لایق لقب «مادر خدا» هستند زیرا که هر یکی از آنها سبب تولد کلمه‌الله می‌شوند و بدین سبب خودشان نیز روح القدس محسوب می‌شوند.

در مورد احترام صلیب بوگومیلها هم عقیده بیالقه هستند. آنها پرستش صلیب را باین عنوان که آن آلت تعذیب و شهادت مسیح^۲ است رد می‌کنند ولی با اینحال علامت صلیب را بعنوان سمبول وجود مسیح بکار می‌برند. از این دوگانگی عقیده نسبت به علامت صلیب اختلاف نظری بین محققین ایجاد شده است^۳.

در بوسنی و هرزگووین علامت صلیب روی مقابریکه از اواسط قرن پیش به بوگومیلها نسبت داده‌اند به ندرت وجود دارد؛ علامت صلیب یکی از علامت مقابر بوگومیلی در بوسنی و هرزگووین است و سایر علامات این مقابر عبارتند از هلال و ستاره

۱- مانی و دین او ص ۴۹ س ۱۰ بعد. Passion - ۲

۳- آیا بوگومیلها به صلیب احترام می‌گذاشتند؟ مقاله سلوویف: A. Solovieff, Les Bogomiles vénéraient-ils la croix? Académie Royale de Belgique, Bulletin de la classe des lettres, 5^e série XXXV, Bruxelles 1949, p. 47 - 62.

۴- سلوویف در مقاله خود که بسال ۱۹۴۸ نوشته است ثابت می‌کند که تعدادی از این مقابر معدود نیز متعلق به پیروان کلیسای کاتولیک و ارتدکس می‌باشد.

وعصای اسقف و خروس و خورشید و مخصوصا خورشید بشکل گل چندپره^۱. علامت صلیب در بعضی از مقابر بوگومیلی با سری گرد و با دو پا دیده می شود و مخصوصا صلیب های بزرگ انسانمانندی^۲ را نشان می دهند که سمبل مسیح است.

امر جالب دیگری نیز که در بعضی از صلیب های مقابر بوگومیلی این ناحیه مشاهده می گردد این است که شاخه های صلیب از حیث درازی بیک اندازه اند^۳ و این صورت در واقع یک سمبول مانوی (صلیب - خورشید) بشمار است^۴.

مانویان تصور می کردند که «کشمکش دائمی بین خیر و شر تکلیفی بمؤمنین می آورد که دائما سعی کنند در جسم با گوشت خود انفکاک دو جوهر را بعمل بیاورند یعنی با اصطلاحات مانویان در روح خود (من اصلی) و (من الهی) و (من زنده) را بیدار نگاه دارند و (انسان جدید) یا (نو)^۵ با (میل خود بحیات) در مقابل (من شیطانی) و (من ظلمانی) و (وجدان تاریک) و (انسان کهنه و پیر) هنوز (میل مرگ) دارد. اینها اصطلاح مانوی است و معنی آن اینست که مؤمن باید بواسطه^۶ (گنوس) یا (معرفت) که جنبه دوگانگی او را بوی آشکار می کند مجددا بخود آمده شعور آزاد و روشن پیدا کند و از جهل و اسیری که ماده می خواهد دائما او را در آن مستغرق نگاه دارد خود را خلاص کند. اگر وی کامیاب شود که روح خود را در انفکاک نگاه دارد پس از مرگ آن روح بوطن منور اصلی برمی گردد»^۶.

بدین ترتیب مانویان معتقد بودند که عنصر علوی وجود ما که عبارت باشد از «روح» یا «عقل ما» و «من - ما» یا «زنده ما» با خدا از یک ماده است.

Anthropomorphe - ۲

Rosace - ۱

۳ - این شکل صلیب در ائینه کاتارها (Cathares) در جنوب فرانسه نیز دیده می شود.

۴ - زبور شماره ۱۵۹ در انجیل مانی (سلوویف ص ۹۳).

۵ - Nous کلمه یونانی است که با اصطلاح حکما و مخصوصا اشراقیون بمعنی «عقل کلی» استعمال

می شد (مانی و دین او پاورقی ص ۴۴).

۶ - مانی و دین او ص ۴۹.

بنا بر این نجات ما عبارت از اینست که بوسیله معرفت دوباره به خودمان و به این امر که با خدا از یک ماده هستیم آگاه شویم و «من» واقعی را که با جسم درهم شده است از درون فراموشی و ناآگاهی بیرون کشیم و روح خود را در بیداری و استغنائی کامل نگاه داریم. فقط در اینصورت ما بعد از مرگ بسعادت ابدی نائل خواهیم شد که روح به وسیله «گنوس» یا «معرفت» از قید ماده رهائی یابد و اگر این مقصود حاصل گردد انسان مستقیماً بعد از مرگ به سعادت ابدی خواهد رسید.

بوگومیلها در این باب چنین عقیده داشتند که مرگ برای طبقه صدیقین فقط بمنزله آن است که لباس وجود آنها عوض می شود و گوئی در طی یک خواب لباس، گوشت از پیکر وجود فرو می ریزد و لباس قدس اندام هستی آنها را می آراید و آنها بدینگونه جای خود را بین فرشته ها می گیرند در حالی که بدن دنیویشان خاک شده است.

مانویان در عبادات خود فقط نماز و سرودهای مذهبی داشتند در صورتیکه بوگومیلها بگفته «تورکوه مادا» «عبادت را محکوم کرده بودند و سرودهای مذهبی را خلاف تعلیم مسیح می دانستند».

صننا «زیگابن» می گوید: تنها دعائی که نزد آنها جایز است دعای «پدر ما که در آسمانی»^۱ است که در هفت نوبت در روز و پنج نوبت در شب بجای می آورده اند.

درباره مکان عبادت نیز مانویها با بوگومیلها ظاهراً اختلاف دارند ولی پیروان هر دو آئین از اجرای عبادت در کلیساها و معابد اجتناب می کردند. مانویان در یک خانه معمولی عبادت می کردند و از روی نقوش مقابر بوگومیلها نیز می توان استنباط کرد که محل عبادت آنها ساده و معمولی بوده است زیرا هیچگونه نقشی که دلیل وجود بنایی مخصوص باشد باقی نمانده است. تورکوه مادا اظهار می دارد بوگومیلها کلیسای صوری و ظاهری را کلیسای شیطان می دانستند.

در نزد مانویان پرستیدن بت جایز نبود^۲ بوگومیلها نیز پرستش تمثال قدسین در

۱ - Pater Noster (رونسیمان ص ۷۴).
 ۲ - مانی و دین او... ص ۵۱ س ۳.

کلیساهای مسیحی را بت پرستی می‌نامیدند و آنرا محکوم می‌کردند و کسانی را که در کلیساهای مسیحی دعا می‌کردند بت پرست می‌دانستند.

فارقلیط^۱ یا روح القدس برای مانویان شخص مانی بود اثری از این عقیده را نزد بوگومیلها نیز می‌بینیم. هنگامی که محمد فاتح بناحیه بوسنی لشکر کشید، اهالی بوگومیل بوسنی که در سالهای اخیر زیر فشار مقامات کاتولیکک ظاهراً ترك دین خود کرده و به آئین کاتولیکک گرویده بودند دیانت اسلام را فی الحال قبول کردند. چنانکه دیدیم یکی از علل غایت میل ساکنان بوسنی به گرویدن بدین تازه این بود که بوگومیلها که از شکنجه‌های دولت و مقامات روحانی صربستان ارتدکس و مقامات کاتولیکک و واتیکان بجان آمده بودند در شخص محمد فاتح سلطان عثمانی که اهالی بوسنی را از فشار مقامات کاتولیکک خلاص کرد کسی را یافتند که مدتها در انتظار او بودند: فارقلیط.

در هر حال مانویان و بوگومیلها مراسم مذهبی زیادی نداشتند و علت کم بودن مراسم مذهبی در نزد آنها ظاهراً اجتناب از تماس با ماده بوده است.

مانویان بماه و خورشید احترام می‌گذاشتند. بعقیده آنها خدای نیکی برای نجات دادن و پاک کردن و انتقال بنده بمحل نخستین چرخ عظیمی تهیه می‌کند که بوسیله آن ارواح را از عالم ظلمت (یعنی از جهان مادی) بیرون می‌کشد و آنها را تا ماه و خورشید بالا می‌برد و از آنجا به بهشت که در آن بوجود آمده بودند برمی‌گرداند.^۲

پرستش ماه و خورشید نزد مانویان امری کاملاً طبیعی است زیرا که دین مانی دین نورانی است و ماه و خورشید دو کره سماوی هستند که از همه کراتی که چشم طبیعی انسان می‌تواند ببیند بزرگترند (باحتمال قوی مانویان نمی‌دانستند که خورشید بماه نور می‌دهد). از روی مدارک و منابع فعلی محال است بگوئیم که آیا بوگومیلها نسبت بماه و خورشید همان اهمیت را قائل بوده‌اند یا نه. بعقیده سلوویف علام ماه و خورشید را که بعنوان

۱ - فارقلیط Paraclet یعنی روح یا نجات‌دهنده‌ای که ظهور آن از طرف مسیح در عشاء ربانی

۲ - سلوویف ص ۹۳

اعلام شد.

رمز و سمبول در روی مقابر بوگومیلها می بینیم فقط می توان بوسیله اصول دین مانی شرح داد یعنی همان طور که می دانیم ماه و خورشید در دین مانی دو منزلگاه در راه « سعادت ابدی » یعنی « بهشت » می باشند .

۳ - سرانجام بوگومیلها

همانگونه که دین مانی عکس العملی بر ضد سختگیری مقامات روحانی زردشتی است آئین بوگومیلی نیز در ابتدا عکس العملی بر ضد کلیسای ارتدکس قسطنطنیه و سپس کلیسای کاتولیک رم می باشد .

علت رواج سریع آئین بوگومیلی در بلغارستان و مقدونیه و بعدها در ایالات دیگر شبه جزیره بالکان بخصوص در بوسنی و هرزگووین این بود که طبقات رنج کشیده مردم می پنداشتند که با توسل بآئین نوین می توانند از بیدادگریهای جهان مادی دوران خود بگریزند . در حقیقت سختی زندگی ، روستائیان را به خصایص این دنیا بدبین کرده بود . و اگر آئین بوگومیل بزودی در میان این طبقه رواج یافت امری اتفاقی نبود . مسیحیتی که اربابانشان از قسطنطنیه آورده بودند به نظر آنها بیگانه می نمود و نمی توانست پاسخگوی احتیاجات آنان باشد .

آئین بوگومیلی یک نهضت انقلابی و مذهبی بود که بر ضد مذهب ارتدوکس بیزانس که از خارج آمده بود و روحانیون از آن طرفداری می کردند شورید و بنام انجیل مالکیت و تجمل و خوردن گوشت یعنی غذای پرچربی و همچنین توالد و تناسل را محکوم کرد^۲ . ولی سرانجام پیروان آئین بوگومیلی مورد تعقیب مقامات کاتولیک واقع شدند و اغلب بوگومیلهای ساکن بوسنی و هرزگووین که ظاهراً ترک دین کرده بودند بععلی که بیان کردیم بدین اسلام گرویدند .

باید دانست که عده ای از بزرگترین سرداران و سلحشورترین سربازان و مهمترین

رجال سیاسی دولت عثمانی و همچنین عده‌ای از شعرا و نویسندگان مشهور که بزبانهای ترکی و عربی و فارسی تألیفاتی دارند از میان همین بوگومیلها که بتدریج از قرن پانزدهم میلادی بیعد مسلمان شده‌اند برخاسته‌اند^۱.

صفا پس از قبول دین اسلام بوگومیلها تا مدت‌ها زبان و مراسم آئین قدیم خود را فراموش نکردند. در قرن ۱۷ میلادی سیاح مشهور ریکو^۲ اظهار می‌دارد که پتورها^۳ گذشته از قرآن، عهد جدید کتاب مقدس را نیز بزبان صربی - کرواتی^۴ می‌خوانند. در اواسط قرن نوزدهم در دره‌های دورافتاده هرزگووین افراد بوگومیل بطور پراکنده زیست می‌کردند و طبق گفته سیاحان، آنها گرچه مسلمان نبودند کیش ارتدوکس و کاتولیک را هم قبول نداشتند^۵.

در حال حاضر آثار باقیمانده آئین بوگومیلی عبارتند از نقوش مقابر و تصاویر بازمانده در نوشته‌های مذهبی مسیحی که مورد استفاده بوگومیلها بوده است. داستانها و افسانه‌هایی که جای پائی از افکار بوگومیلی دارند و بخصوص نوشته‌های مخالفین آنها. هازری پوش درست می‌گوید که ممکن است مذهب کاتارها منشعب از مذهب مانی باشد و بدین ترتیب می‌توان آنها را عالیترین انعکاس از بزرگترین پیام مذهبی ایران در مغرب زمین دانست. و چون پیدایش آئین کاتار در اروپا نتیجه مستقیم ظهور مذهب بوگومیلی می‌باشد مطالعه و تحقیق آداب و رسوم و فرهنگ بوگومیلها کمک شایانی به نمایاندن ارزش حقیقی و راه نفوذ معنوی فرهنگ ایرانی در مغرب زمین خواهد کرد.

هدف این گفتار جلب توجه محققینی است که به تاریخ تمدن ایران و سیر تکاملی آن

۱ - ر. ک. بمقاله نگارنده در شماره ۱۱ و ۱۲ راهنمای کتاب سال ۱۳۴۲ ص ۹۸ تا ص ۹۹.

۲ - Rycout طبق سلوویف ص ۹۲.

۳ - بوگومیلهایی که بدین اسلام گرویده بودند Poturi نامیده میشدند.

۴ - زبان صربو کروات زبان اغلب ساکنان کشور یوگسلاوی است از قرن یازدهم هجری مسلمانان بوسنی و هرزگووین بزبان صربو کروات ولی بخطی که اغلب حروف آن از عربی و معدودی

۵ - سلوویف ص ۹۲.

نیز از فارسی گرفته شده است بی‌نوشتند.

علاقه‌مند می‌باشند زیرا لازمست مطالعهٔ کاملی در مورد پیشرفت تدریجی افکار دیانت‌مانی بسوی اروپا و همچنین چگونگی آئین‌ها در ممالکی که در معرض نفوذ آنها قرار گرفته‌اند بعمل آید.

در مسیر توسعهٔ اصول مانویت از ایران تا اروپای غربی بی‌سابقه بوگومیلها پاتارن‌ها و کاتارها و غیره قرار دارند ولی چگونگی اتصال اصول مانویت با اصول آئین بی‌سابقه بحث تحقیقی قابل توجهی است که اطلاعات نگارنده در آن باب ناقص است. از طرف دیگر مسلم است که «تصویرشناسی» مقابری بوگومیلها در بوسنی و هرزگووین و ابدیهٔ تاریخی کاتارها در جنوب فرانسه کمک مفیدی باین امر خواهد نمود. با کنون تحقیقات پراکنده‌ای در این باب بزبانهای فارسی ارمنی و برخی زبانهای اروپائی انجام شده است ولی تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد نه بزبان فارسی و نه بزبانهای دیگر تحقیق جامعی در این مورد صورت نگرفته. نگارنده امیدوار است که این سطور ناقابل مورد قبول اهل فن واقع گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی